

بازکاوی گزارش‌های ترکاشوند از آراء فقهی سه فقیه شیعی - جواد علاء المحدثین علمی- پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۱۲-۱۳۲

بازکاوی گزارش‌های ترکاشوند از آراء فقهی سه فقیه شیعی

جواد علاء المحدثین*

چکیده: در این گفتار، ابتدا کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر نوشته امیرحسین ترکاشوند به صورت مختصر معرفی می‌شود، آنگاه فهرست و درونمایه چند نقد که بر آن نوشته شده گزارش می‌شود. آنگاه نگارنده به تفصیل، سه مطلب از آراء فقهی سه فقیه شیعه؛ علامه محمد باقر مجلسی، مولی محسن فیض کاشانی و مولی احمد اردبیلی، به ترتیب در کتابهای بحار الانوار، معتض الشیعة و مجمع الفائدة و البرهان، را با گزارش ترکاشوند از این آراء مقایسه می‌کند و خطای او را در تبیین این آراء روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: حجاب شرعی در عصر پیامبر (کتاب) - نقد و بررسی؛ ترکاشوند، امیرحسین - نقد دیدگاه‌ها؛ بحار الانوار (کتاب)؛ معتض الشیعة (کتاب)؛ مجمع الفائدة و البرهان (کتاب)؛ اردبیلی، احمد؛ فیض کاشانی، محسن؛ مجلسی، محمد باقر؛ حجاب شرعی.

حجاب در نگاه دینی حکمی الهی و مبنای التزام به آن، تعبد و تسليم در برابر اوامر پروردگار است. این البته مغایرتی با احراز حکمت‌های حجاب، بر اساس اعلام شارع و با استناد به ادله معتبر ندارد. در عین حال، بحث از مستندات فقهی یک حکم با بحث حکمت تشریع آن متفاوت است، هر چند اشتراکات و همپوشانی داشته باشد.

بسیار پذیرفتی است که حکم فقهی در موردی کاملاً روشن و مورد اتفاق، اما حکمت آن نامعلوم و یا مورد اختلاف باشد.

هم‌چنین زمینه‌های اجتماعی اعلام یک حکم شرعی در صدر اسلام، موضوع سوم و مستقلی از دو عنوان قبلی است.

این‌که مثلاً حرمت شراب در ابتدا طی چند مرحله با نزول آیاتی تشریع شده باشد، موجب هیچ تردیدی در این حکمِ حرمت نیست و ارتباطی هم با حکمت آن ندارد.

در باب احکام، علاوه بر موضوعات فوق یعنی «احکام خمسه»، «حکمت احکام» و «نقش شرایط اجتماعی در تشریع»، عناوین دیگری هم مطرح است، مثلاً شیعه به وصایت ائمه معصومین علیهم السلام از رسول خدا ﷺ در شئون مختلف از جمله در بیان (و تشریع) احکام عقیده دارد. بر این اساس، نسبت میان دوران رسالت و دوران حضور امامان علیهم السلام در فرایند تشریع محل بحث است. اعتقاد شیعی در امامت، این را از شئون امام می‌شمارد که حکمی شرعی اولین بار توسط یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام بیان شده باشد، یعنی همان‌گونه که اشکالی ندارد حکم روزه یا زکات یا ... پس از گذشت سالیانی از بعثت، در میانه دوران رسالت نبوی ﷺ تشریع شده باشد، همین وضعیت درباره دوران امامت نیز تعمیم دارد.

کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ» تألیف آقای امیر حسین ترکاشوند، انتشار یافته مجازی در اوائل دهه ۹۰، با مدعای بازنگری در نصوص مربوط به حجاب منتشر شد و از همان آغاز انتشار، با واکنش‌های مختلف روپروردید. با وجود حجم زیاد از مطالب قرآنی، روایی، فقهی و تاریخی درباره حجاب که دقت نویسنده در تحلیل و تفسیر و ترجمه آنها محل بحث است، نتیجه کلی کتاب، قضاوتهایی شگفت در تقلیل حدود شرعی حجاب است که به شهرت نسبی کتاب انجامید. سخنان عجیب کتاب با انتشار آن (خاصه در فضای مجازی)، برای مخاطب عام جذابیت و شهرت یافت، به ویژه آن که رویکرد به تسهیل احکام حجاب در فضای خاصی که در جامعه ما نسبت به موضوع حجاب وجود دارد، برای بسیاری افراد توجه برانگیز است.

بررسی منصفانه این حجم انبوه، زمانی فراخ و امکانات گسترده می‌طلبد. بدین روی ابتدا به پیشینهٔ نقد و بررسی این کتاب نظری می‌افکنیم، آنگاه از دیدگاه گزارش آراء فقهی سه فقیه شیعی بازکاوی می‌شود.

پیشنه

در زمینهٔ نقد کتاب ترکاشوند تا کنون چندین کتاب و مقاله منتشر شده است، از جمله:

۱. شاه سنایی، محمد رضا. «حجاب در صدر اسلام» (کتاب). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۱۰ ص.

وضعیت پوشش در روزگار جاهلی و عصر نزول قرآن، اشعار جاهلی و ترسیم چند و چون پوشش و البسه آن روزگار، پوشش، فرهنگ غالب عصر جاهلی، بررسی آیات حجاب و نقد نظرات طرفداران حجاب حداقلی، نقد نظر عدم تلازم بین حجاب و عفاف، تلاش پیامبر ﷺ در رفع نواقص پوشش جاهلی، و خطاهای

مبناهایی، روشی و ترجمه‌ای ترکاشوند در کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، از جمله محورهایی است که نگارنده به آن می‌پردازد.

۲. سرمدی، سعید (سلسله مقالات). نقدی بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، ۱۳۹۴. این مقالات (دست کم چهار مقاله) از طریق خبرگزاری مهر در سایت ایترنیتی این خبرگزاری منتشر شده است.

۳. شاهوردی، مجید؛ حبیبی تبار، حسین. نقد دیدگاه پوشش موی زنان در کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» (مقاله). مجله پژوهش‌های فقهی. (انتشار آنلاین: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹)

این نوشتار، با روش تحلیلی- توصیفی و با استناد به گزارش‌های روایی، تاریخی و فقهی، در پی پاسخ به این سؤال است که آیا پوشش موی زنان واجب است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برداشت نویسنده از روایات ناظر به پوشش حضرت زهرا^{علیها السلام} و زنان حاضر در کربلا، یک جانبه و با سیره رفتاری آنها ناسازگار است. شواهد ارائه شده برای عدم وجوب پوشش کنیز، دچار ضعف سندی و یا تعارض با سایر ادله است. تفسیر نویسنده از آیه ۵۹ سوره احزاب نیز افرون بر تضاد با روح مساوات اسلامی، مورد انکار بسیاری از مفسران فریقین است. در پایان، شواهدی چون برداشت معنای پوشش موی سر از واژه «جلباب» توسط عموم مسلمین و روایات فراوانی که در این باره وجود دارد، وجوب پوشش سر اثبات شده است.

۴. سوزنچی، حسین. حجاب در آیات و روایات. (کتاب). تهران: سدید، ۱۳۹۴. ۸۶ ص.

نویسنده در این اثر، در دو بخش کلی «نقد و بررسی محتوای کتاب» و «بررسی نمونه‌هایی از ادعاهای استدلال های کتاب»، کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» را نقد کرده و در بخش پایانی به بررسی دیدگاه فقهای در مورد حجاب شرعی پرداخته و می‌کوشد با تحلیلی عالمانه و تحقیقی تاریخی در متون اصیل اسلامی،

نگاه دین اسلام به حجاب زنان در عرصه جامعه را بیان کند.

۵. امینی، محمد. نقد و بررسی نگرش قرآنی نواندیشان مسلمان در مسئله حجاب (مقاله). ارائه شده به همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶.

موجود در سایت سیویلیکا به نشانی:

<https://civilica.com/doc/779252>

خلاصه دیدگاه برخی از گویندگان مانند محمد سعید العشماوی، امیرحسین ترکاشوند و محسن کدیور این است که آن‌ها حجاب را یک مقوله فرهنگی می‌دانند که آیات قرآن یا دلالت بر وجوب آن ندارد و یا فقط عورتین را شامل می‌شود؛ چون آیات حجاب بیشتر از آن دلالت نداشته و بر وجوب پوشش سر و گردن دلالت نمی‌کند. مستندات نواندیشان عبارتند از: عرف عرب جاهلی؛ واژگان و جملات قرآن و شان نزول آیات حجاب. اما نگارنده این تحقیق مدعی است که از تجزیه و تحلیل آیات قرآن و بررسی شواهد تاریخی و روایی، نه تنها ادعای نواندیشان اثبات نمی‌شود، بلکه دلایلی قوی و متعدد بر علیه آنان گواهی می‌دهد.

۶. عشايري منفرد، محمد. درنگی در ترجمه‌های کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر». (مقاله). سفینه، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۶-۱۷۳.

نویسنده کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، بر اساس ترجمه‌هایی که ارایه کرده به نتایج شگفتی رسیده است. در موارد متعددی ترجمه‌های اشتباه در این کتاب، مؤلف را به برداشت اشتباهی درباره دیدگاه دینی در موضوع حجاب یا واکنش مسلمانان نسبت به حکم شرعی حجاب رسانده است. نقد ترجمه‌های ارایه شده در این کتاب، موضوع این مقاله است که مقاله یادشده با روش ادبی به آن می‌پردازد.

۷. عشايري منفرد، محمد. معماری و حجاب در حجاز عصر پیامبر. (مقاله) در: کتاب

- پوشش زنان در زمان پیامبر (جلد اول از مجموعه حجاب پژوهی) ص ۲۱۹-۲۵۰.
۸. عشایری منفرد، محمد. پوشش زنان اهل بیت علیهم السلام و حکم شرعی حجاب (مقاله).
- در: کتاب پژوهش‌های فقهی حجاب (جلد دوم از مجموعه حجاب پژوهی)، ص ۲۰۱-۲۳۴.

۹. عشایری منفرد، محمد. پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر علیهم السلام (مقاله) در: مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۹-۶۰.

در تفسیر آیات مربوط به حجاب باید مشخص شود که آیا وضعیت کنونی حجاب زنان از زمان پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام شکل گرفته و امتداد یافته است یا آن که در زمان ایشان تنها یک حجاب معمولی، در حد امکانات پوششی آن زمان، شکل گرفته و پیروان شریعت بعداً آن را تا حد حجاب معروف امروزی توسعه داده‌اند. برای بررسی این که در زمان پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام همین حجاب کامل امروزی وجود داشته یا نه، باید به این پرسش نیز پاسخ گفت که آیا مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی آن روزگار، مانند وضعیت لباس‌های زنانه و...، مانع تحقق چنین حجابی نمی‌شده است. این مقاله در صدد است با جستار در منابع لغوی، روایی، تاریخی و ادبی، به مطالعه امکانات فرهنگی - اجتماعی آن روزگار پرداخته و مشخص کند که آیا فرهنگ پوششی آن روزگار مانع از تحقق حجاب شرعی حداکثری می‌شده یا خیر.

۱۰. «حجاب در بستر تاریخ و فرهنگ عصر نزول» (میز گرد)، جهاد دانشگاهی دانشکده الهیات تهران، ۹۵ اردیبهشت ۱۴، با حضور دکتر آذرتاش آذرنوش، دکتر بهزاد حمیدیه و مؤلف کتاب.

مرور کلی بر درونمایه کتاب

عنوان «حجاب شرعی در عصر پیامبر صلوات الله علیه و سلام» دو مؤلفه در خود دارد: «جنبه

شرعی» حجاب، و «جنبه عصری» آن.

این دو جهت، وجود متمایزی از موضوع حجاب است. باید تأمل کرد که مؤلف دقیقاً در پی چه بوده. ایشان در همان ابتدا (صفحه ۳ نوشته):

ییان مسأله، ضرورت تحقیق، سؤال اصلی

حجاب و پوشش امری است که بیشترین درگیری ذهنی و مراقبت عملی را برای مؤمنان به وجود آورده است. نقش حجاب شرعی در زندگی روزمره مسلمانان با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست ... اهمیت حجاب، از جمله ناشی از ذهنیتی است که ما مسلمانان در مورد میزان پوشیدگی مؤمنان صدر اسلام و به ویژه پیشوایان داریم ... ما گمان می‌کنیم که رسول خدا، امام علی و سایر صحابه دارای پوشش حداکثری بوده، و از آن مهم‌تر پوشش همسران پیامبر، حضرت فاطمه و سایر بانوان آن زمان را سرتاسری دانسته و چه بسا اینان را همراه با روبند و یا پنهان در پس پرده تصور می‌کنیم. حال پرسش این است که آیا به راستی آنان چنین بودند، آیا آنها آن‌گونه که ما فکر می‌کنیم بوده، و میزان حجاب و پوشیدگی شان مطابق با همان ذهنیتی است که از ایشان داریم و تصویری که روزگار از آن‌ها در ذهن‌مان حک کرده با واقعیتشان یکسان است؟ آیا زنانشان دارای چادر، مقنعه، بلوز، مانتو، شلوار، دامن و ... بوده، و مردان از شورت، شلوار، زیر پیراهن، پیراهن و ... استفاده می‌کردند؟ وجود چنین تصوراتی ناشی از مقایسه حجاب و البسه رایج در عصر کنونی با وضعیت حجاب و جامه‌های رایج در آن عصر، و نیز ناشی از مقایسه مؤمنان زمان خود با مؤمنان و شخصیت‌های آن روزگار است... بنابراین می‌بایست به بازنگری در متون دینی پرداخت تا حجاب واقعی مؤمنان عصر پیامبر که برگرفته از آیات الهی و ارشادات نبوی بود، را استخراج کرد تا از رهگذر آن به درستی یا نادرستی ذهنیتی که از حجاب آنان داریم برسیم و در نتیجه میزان پوشیدگی واقعی ایشان را به دست آوریم.

وی بلافاصله حساب احکام فقهی را از بحث خویش جدا کرده و نوشته: چنان‌که پیدا است عنوان تحقیق، «حجاب شرعی در عصر پیامبر» است و چون ظرف تحقیق را صرفا عصر حضرت قرار دادم بنابراین قصد ورود به حجاب عصر کنونی و احکام آن را ندارم ولی از آنجا که بخش مهمی از پایبندی‌های ما برخاسته از ذهنیاتی است که در باره آنان داریم پس چه بسا مطالعه تحقیق روشنگری‌هایی به همراه داشته باشد.]

ملاحظه می‌شود که مؤلف سعی دارد هدف خود را تمرکز بر دیدگاه‌های تاریخی نسبت به میزان پوشش و حجاب، قبل و مقارن بعثت معرفی کند، و حتی تصریح کرده «قصد ورود به حجاب عصر کنونی و احکام آن را ندارم» اما در عین حال نمی‌تواند ورود مستقیم و سریع به احکام «حجاب شرعی» در عصر حاضر را حتی قادری به تأخیر بیاندازد و در همان عبارات نخست، از طرفی «اهمیت حجاب» و «بخش مهمی از پایبندی‌ها به حجاب» در روزگار معاصر را متأثر از «ذهنیت مسلمانان از میزان پوشیدگی مؤمنان صدر اسلام» شمرده که مایل است به روشنگری‌هایی درباره آن بپردازد، و از طرف دیگر دعوت به بازنگری در متون دینی نموده و نیز در متن کتاب، مفصل‌اً به بازنگری در متون فقهی و مشغول شده است.

با توجه به پیشینه‌ای که یاد شد، در این گفتار، بنا بر این است که فقط چند نقل ترکاشوند در کتابش مورد کنکاش دقیق قرار گیرد و میزان دقت ایشان در گزارش این نقل‌ها بررسی شود.

یکم. گزارش دیدگاه مجلسی در مورد رسول خدا

وی بخشی از کتاب را به سیره رسول خدا ﷺ اختصاص داده و نقلیاتی در باب پوشش، استحمام و سایر امور شخصی حضرت آورده (از صفحه ۲۲۹ به بعد) و در ابتدای کتاب نیز مواردی از این دست را برای تمهید بحث و به عنوان مقدمه

به ضرورت ذکر می‌کنم. وی نوشت:

آورده‌اند که در اثر حادثه‌ای طبیعی (یا با هدف بازسازی) ساختمان کعبه ویران شد و مردم در بازسازی آن اقدام کردند. محمد بن عبدالله همچون دیگران در این امر مشارکت داشت. آنان برای تجدید بنا اقدام به آوردن سنگ می‌کردند و برای این‌که از آزار حمل سنگ‌های درشت بکاهند، تک‌جامهٔ موجود بر اندامشان را از دور بدن جدا کرده و آن را بر روی شانه و کتف یعنی در زیر سنگ قرار می‌دادند و به صورت کاملاً عریان راه می‌رفتند. گویند محمد بن عبدالله که هنوز به مقام رسالت نرسیده بود نیز بنا به سفارش دیگران (و یا بنا به تشخیص خود) جامه از تن در آورد و مکشوف العورة شد ولی طولی نکشید که دوباره خود را پوشانید. گزارش این واقعه در کتب حدیث و تاریخ آمده است. اینک به ذکر چند مورد می‌پردازم:

سمعت حابر بن عبدالله يجحدث أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقْلِلُ مِعْهُمُ الْحِجَارَةَ لِلْكَعْبَةِ وَ عَلَيْهِ إِذْارَهُ، فَقَالَ لِهِ الْعَبَاسُ عَمَهُ: يَا أَبَنَ أَحْيَ لَوْ حَلَّتِ اِذْارَكَ فَجَعَلْتُ عَلَى مَنْكِبِيَّكَ دُونَ الْحِجَارَةِ قَالَ: فَحَلَّهُ فَجَعَلْتُهُ عَلَى مَنْكِبِيَّهِ، فَسَقَطَ مَغْشِيَا عَلَيْهِ فَمَا رَأَى بَعْدَ ذَلِكَ عَرِيَانًا. (بخاری ۹۶۱، مسلم

(۳۳/۴)

جابر بن عبدالله گوید: رسول خدا ص [پیش از بعثت] در حالی که إزاری بر تن داشت، به همراه سایر قریش برای تجدید بنای کعبه سنگ می‌آورد. (عمویش) عباس به او گفت: کاش إزار را از کمر و بدنست باز کنی و بر روی شانه‌ات در زیر سنگ‌ها قرار دهی. رسول خدا ﷺ نیز إزار و لنگ را باز کرد و آن را روی شانه‌اش قرار داد اما [در همین بین] بی‌هوش بر زمین افتاد. رسول خدا دیگر پس از آن تاریخ عریان نشد.

مؤلف در ادامه، پس از بازگویی چند نقل دیگر از منابع تسنن، در گزارشی نادریق

(در صفحه ۲۷) نوشت:

سراججام مجلسی سن پیامبر در جریان برهنه شدنش را ۳۵ سال یعنی ۵ سال قبل از بعثت دانسته است.

این در حالی است که عبارت بحار الانوار، مؤید تعبیر ناشایست کتاب نبوده، به این جمله ختم می‌شود:

... فما رئیت لرسول الله ﷺ عوره (مجلسی، ۴۱۱/۱۵)

... پس شرمگاه آن حضرت دیده نشد.

نکته دقیق‌تر، از قبیل موارد انبوهی است که از جهت ظرائف کار علمی، ابداً مورد توجه مؤلف در تحقیقش نبوده است. علامه مجلسی در جلد ۱۵ بحار الانوار (ص ۳۳۱) بابی گشوده با عنوان «منشاء و رضاعه و ما ظهر من إعجازه عند ذلك إلى نبوته ﷺ» و (تا صفحه ۴۰۱) بر اساس روال معهود کتاب، با شماره‌های مسلسل و پس از ذکر منبع، روایاتی را نقل نموده است.

از آن‌جا به بعد (تا صفحه ۴۱۴) خارج از روال یاد شده و با تعبیری از قبیل «رؤی» یا «رؤی عن فلان» ماجراهای زیادی متناسب با عنوان باب را نقل کرده - که عبارت مورد استناد ترکاشوند در ضمن آن‌ها است - سپس نوشتہ:

أقول: إنما أوردت سياق هذه القصص مع عدم الوثوق عليها لاستعمالها على تعين أوقات ما أسلفناه في الأخبار المتفقة و كونها موضحة لبعض ما أجمل فيها.

می‌گوییم: این سلسله داستان‌ها را با وجود عدم وثوق بر آن‌ها نقل کردم زیرا شامل تعیین زمان برای اخبار متفرقه‌ای است که پیشتر آورده‌یم و روشنگر برخی ابهامات آن اخبار است.

و در پاورقی توضیح داده شده است:

لأنها رويت بأسانيد عامّة لم يتبيّن لنا وثوق رجالها، مع أنها مشتملة على غرائب و نوادر (مجلسی، ۴۱۴/۱۵)

زیرا این داستان‌ها با سندهای عامّه نقل شده که اعتماد به راویانش برای ما احراز

نشد، هر چند موارد غریب و نادر را در بر می‌گیرند.

لذا این که در عبارت ترکاشوند «سرانجام مجلسی سن پیامبر در جریان ... را ۳۵ سال ... دانسته است». علامه موافق اصل ماجرا نشان داده شده، نادرست و ناشی از بی‌دقی است.

البته با توجه به نقل این نسبت شرم آور به پیامبر در صحیح بخاری و مسلم، بحثی مهم در اینجا مطرح است که به طور اختصار به آن اشاره می‌شود و از تفصیل چشم می‌پوشیم.

مؤلف کاملاً از زمینه جعل و تحریف گسترده در روایات اهل تسنن، با رویکرد کوچک کردن شخصیت رسول خدا^{صلوات‌الله‌علی‌ہ} که به قصد تطهیر خلفاً و توجیه سیاه‌کاری‌ها و ضعف‌های آنان، یا انگیزه‌های دیگر رخ داده، غافل بوده است.

این بحث دامنه‌دار را در کتاب نقش ائمه طیبین در احیاء دین تأليف مرحوم سید مرتضی عسکری دنبال کنید. (عسکری، ۱۳۸۲، ۲۱۰/۱) آقای عسکری در کتاب مفصل دیگرش، «نقش عایشه در تاریخ اسلام» حدیث جعلی فوق را از «مسند احمد»، با این مقدمه آورده:

سال‌های اول خلافت عثمان، چون زمان حکومت ابوبکر و عمر می‌گذشت و عائشه چنان می‌پندشت که چون گذشته [یعنی دوران دو خلیفه قبل] از احترام خلیفه عثمان بر خوردار خواهد بود و امتیازاتش همچنان بر دیگر بانوان رسول خدا محفوظ، و دستش کماکان در حل و فصل امور گشاده خواهد ماند روی همین حساب‌ها بود که چون دیگر سران قریش به تأیید از مقام خلافت و پشتیبانی از عثمان برجاست و با آوردن احادیشی درباره عثمان، شخص او و خلافت او را از پشتیبانی بی‌دریغ خود به مدت شش سال بر خوردار نمود. (سپس حدیث بالا را به عنوان شاهد آورده) (عسکری، ۱۳۸۶، ۱۴۸/۱)

روایت جعلی دیگری که با متن سخیف‌تری در ادامه نقل شده، با این انتساب دروغین به رسول خدا ﷺ ختم می‌شود: «چگونه از او ملاحظه نکنم و او را احترام نگذارم در حالی که به خدا سوگند، فرشتگان در محضر عثمان جانب شرم و حیا را نگه می‌دارند!»!!

(همان، ۱۴۹)

۱۲۳

مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی ذیل عنوان «خرافة اخلال الازار»: «خرافه برافتادن ازار»، به نقد نقل مورد بحث درباره پیامبر اکرم ﷺ پرداخته و دلائل و قرائتی بر رد آن، ارائه می‌کند. ایشان در ضمن این بحث می‌نویسد:

به مناسبت باید گفت: این قبیل افترا زدن‌ها، از پیامبر ارجمند ما ﷺ فراتر رفته و به پیامبر الهی، حضرت موسی علیه السلام نیز رسیده، اما به نحوی زشت‌تر و زنده‌تر، چنان‌که موضوع به فعل خدای سبحان درباره آن جانب نسبت داده شده است.

بخاری و دیگران نقل کرده‌اند: بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام نسبت دادند که بیماری فتق دارد. ایشان لباس خود را درآورده و روی سنگی نهاده بود تا استحمام کند. وقتی خواست لباس را بردارد، سنگ به سرعت حرکت کرد و دور شد. موسی علیه السلام عصا را برداشت و دنبال سنگ افتاد و می‌گفت: «آهای! سنگ! لباسم. آهای! سنگ! لباسم.» تا این‌که بنی اسرائیل ایشان را دیدند و گفتند: «به خدا موسی مشکلی ندارد.» موسی علیه السلام را گرفت و شروع کرد به زدن سنگ!

ابوهیره گفت: به خدا سنگ، سه یا چهار یا پنج بار ناله کرد ... (عاملی، ۲۶۵ / ۲)

دوم. گزارش دیدگاه فیض کاشانی

ترکاشوند درباره نظر فیض کاشانی (در صفحه ۷۱۳) آورده است:

جمع بین ادله، برخی از فقهاء را به این سمت سوق داده که در نوع حکم استنباطی‌شان در مورد ستر مو و (گردن) به استحباب روی آورند و آن را از نوع واجب ندانند ... ملا محسن فیض کاشانی نیز... صرفاً قائل به احتیاط شده است که با کلام وی در انتهای فصل آشنا می‌شویم.

شده:

وعده مؤلف برای بیان کلام جناب فیض، (در صفحه ۷۶۷) با این عبارات محقق

اینک آراء فیض و نتایجی که از کلام وی در باب حجاب و پوشش زنان به دست

می‌آید نقل می‌شود و سپس متن سخن او را از کتاب «معتصم الشیعه» می‌آوریم:

۱. وی پوشش واجب زنان را بر مبنای دو رأی کلی شرح می‌دهد: رأی اول «تقریباً» با مطالب این فصل یعنی پوشش تن، ران و بازو نزدیکی دارد. او این رأی را مربوط به اکثر فقهاء دانسته و خود نیز جزو ایشان است .. رأی دوم، برابری پوشش زن با مرد است .. فیض این قول را رأی اقلیت می‌داند و آن را نزدیک فته و بلکه به رد آن مبادرت کرده است.

۲.

۳. فیض هرگز قسمت‌های جایز الکشف زنان را منحصر به «وجه و کفین» یا «وجه و کفین و قدمین» نمی‌کند.

۴. فیض معتقد است محتوای روایات و مدارک، دلالت بر لزوم پوشاندن مو ندارد پس قائل به وجوب ستر مو نیست.

۵. او همچنین قائل به لزوم استیار گردن نیز نیست.

۶. جالب این که او [فیض] معتقد است از کلام اکثر فقهاء جعفری برمی‌آید که آنان نیز پوشش گردن و موی سر را لازم و واجب نمی‌دانسته‌اند.

ترکاشوند سپس متنی از جناب فیض را مستند ادعاهای فوق قرار داده، ذکر کرده است:

در پایان، متن سخن فیض در «معتصم الشیعه» را می‌خوانیم: «... و اما المرأة الحرة

البالغة فيجب عليها ستر ما ينته المقنعة و الدرع الشامل غالباً وفاقاً للأكثر و قبل بل هي

كالرجل لنا صحيحة زارة عن الباقر قال سالته عن ادنى ما تصلى فيه المرأة قال درع و ملحفة

تشرها على رأسها و تخلل بها و صحیحة محمد بن مسلم عنه بایثیه قال و المرأة تصلی فی الدرع و المقنعة اذا كان الدرع کثیفا و هما كما ترى لاتدلان علی وجوب (ستر) شعر الرأس و العنق کما یفهم من کلام الأکثر ...» (ص ۷۶۸)

وی ترجمه عبارات **فیض کاشانی** را نیاورده، که بدین شرح است:

١٢٥

اما بر زن آزاد بالغ، مطابق با نظر اکثريت (فقها) واجب است که آنچه را مقنعه و پيراهن غالباً میپوشاند، بپوشاند، و گفته شده حکم او مانند مرد است. ما (در اثبات نظریه خود، مبني بر وجوب پوشش با مقنعه و پيراهن) حدیث صحیح زراره از امام باقر علیه السلام را داریم که گفت: «از حضرت، درباره کمترین پوششی که زن در آن نماز بگزارد، پرسیدم.» فرمودند: «پيراهن، و ملحفهای که بر سر بیاندازد و با آن، خود را بپوشاند.» و حدیث صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام که فرمودند: «زن در پيراهنی که ضخیم باشد و مقنعه نماز بگزارد.» و این دو روایت، چنانکه میبینی بر وجوب پوشش موی سر و گردن، آن طور که از سخن اکثر (فقها) فهمیده میشود، دلالت ندارد ...»

چنانکه ملاحظه میشود:

- عبارات فوق، بهروشنى درباره حکم پوشش در نماز است و نه در برابر نامحرم ولی آفای ترکاشوند، همه گزارهها را به «پوشش در برابر نامحرم» تعبیر کرده است.

- وی در شماره ٤ نوشت: «فیض معتقد است محتواي روایات و مدارک، دلالت بر لزوم پوشاندن مو ندارد پس قائل به وجوب ستر مو نیست.»

علاوه بر اینکه گفتیم تسری دادن پوشش نماز به غیر نماز، موجه نیست، باید از ایشان پرسید که مگر جناب فیض نفرمود پوشش مقنعه برای زن واجب است (فیحیب علیها ستر ما یستره المقنعة و الدرع الشامل غالبا وفاقا للاکثر) و شما هم مقنعه را در جای جای کتاب، روسربی معنا کرده اید، در نتیجه لامحاله فیض، پوشاندن بخشی از مو را (حتی در نماز) واجب شمرده شده، پس چگونه گفتید: «فیض معتقد به

وجوب ستر مو نیست»؟^۱

البته شرح عبارت آخرِ جناب فیض، بر اساس اختلافی مطرح میان فقهاء است که برخی در وجوب پوشاندن موی سر را در نماز، محدود به موی روی سر و برخی، شامل موهای پایین‌تر از حد سر و گردن می‌دانند و برخی خیر. به بیان دیگر در فقه، این موضوع مطرح است که آیا علاوه بر پوشاندن موی روی سر در نماز، پوشاندن موی بلندتری که به گردن و پایین‌تر می‌رسد نیز برای بانوان واجب است یا خیر.

به این ترتیب مؤلف کتاب «حجاب...» اصل و فرع مطلب را اشتباه گرفته است! نکته شگفت در استنباط وی این‌که مرحوم فیض، نظر غیر مشهوری مبنی بر تساوی حد پوشش در نماز برای مردان و زنان را نقل و رد کرده است. ترکاشوند که مسئله را اشتباه‌ها به غیر نماز تسری داده، بدین ترتیب در عبارت شماره ۱ (نقل شده در بالا) عده‌ای از فقهاء را قائل به «برابری پوشش مرد و زن» به‌طور مطلق، در نماز و غیر نماز دانسته است.

آیا برای ایشان قدری عجیب جلوه نکرده که تعدادی فقیه، حد واجب پوشش بانوان را صرفاً پوشیدن لُنگ بدانند؟^۱

سوم. گزارش دیدگاه محقق اردبیلی

ترکاشوند درباره نظر محقق اردبیلی (در صفحه ۷۶۹) آورده است:

محقق اردبیلی ... یک جا محتاطانه و در جای دیگر با صراحة، رأى به لازم

نیودن پوشش «سر، گردن، ساق و بازو» داده است.

سپس عباراتی از وی را به نقل از کتاب «مجموع الفائد» (صفحه ۱۰۵) نقل کرده است.

۱. در جلسه نقدی که مواردی از آن بازگو شد (در چند دقیقه پایانی) چنین اشکالی به آقای ترکاشوند شد و ایشان دفاع حیرت‌آوری کرد، بدین مضمون که ممکن است در فقه جای چنین «زلزله‌هایی» باشد.

اکنون با بررسی نظر این فقیه بزرگ از همان مدرک، فقط از یک صفحه جلوتر،
مغایرت اعجاب‌آورش با گزارش فوق معلوم می‌شود:
محقق اردبیلی در صفحه ۱۰۴ از کتاب یاد شده می‌نویسد:

و أما عورة المرأة فلا خلاف في كون كلها عورة يجب ستتها في الصلاة مطلقاً عدا الوجه
والكفين والقدمين وفي غيرها من الأجنبي ... و أما ستر هذه الأشياء في غير الصلاة،
سيجيئ البحث عنه في النكاح وأما حال الصلاة ...

و اما درباره عورت زن (هر عضوی که انسان از روی حیا آن را پنهان
می‌کند)، هیچ اختلافی نیست که همه بدن او عورت و پوشاندنش در نماز، به
طور مطلق واجب است، مگر صورت و دو کف دست و دو پا (از مچ به پایین)
و نیز (پوشاندنش واجب است) از نامحرم در غیر نماز ... بحث از پوشش
این‌ها [وجه، کفین و قدمین] در غیر نماز بعداً در سلسله مباحث نکاح خواهد
آمد، اما بحث پوشش در نماز (اکنون به سراغش می‌رویم) ...

در عبارت فوق، محقق صراحتاً رأى خود را مبنيٍّ بر وجوب پوشش برای بانوان،
جز وجه و کفین و قدمین بیان کرده است.

پس آقای ترکاشوند چگونه نظر ایشان را «لازم نبودن پوشش سر، گردن، ساق و
بازو» دانست؟

پاسخ این است که چنان‌چه ملاحظه شد، محقق اردبیلی در پایان متن فوق نوشه:
«اما حال الصلاة»: (اما بحث پوشش در نماز) و طبعاً در ادامه، بحث پوشش نماز را
طرح کرده که آقای ترکاشوند، آن ادامه را به جای حکم پوشش در نماز، حکم
کلی حجاب در برابر نامحرم گرفته است. این، از مهم‌ترین اشتباهات وی در تحلیل
آراء فقهی در موضوع حجاب است، البته نه، تنها اشتباه.

آقای ترکاشوند (در صفحه ۷۷۰) برای مدلل کردن ادعایش درباره نظر محقق
اردبیلی، چنین می‌نویسد:

وی [محقق اردبیلی] معتقد است ... روایاتی وجود دارد که دلالت بر لازم نبودن پوشش سر دارد و از طرفی با توجه به وجود روایات دیگری که پوشش رأس و سر را مطرح کرده، به جمع این دو گونه روایات پرداخته و نتیجه می‌گیرد که پوشاندن سر مستحب است و نه واجب: «لو لا خوف الاجماع المدعى لامکن ...»

ادامه عبارات این فقیه بزرگ، تا آن‌جا که ایشان (ترکاشوند) نقل کرده، بدین شرح است:

و لولا خوف الاجماع المدعى لأمکن القول باستثناء غيرها من الرأس و ما يظهر غالباً أيضاً، فتأمل.

و يدل عليه أيضاً ما سيجيئ من الأخبار الدالة على جواز كشف الرأس للأمة و الجارية فإنها تدل على المطلق و الجمع بين الأدلة أيضاً بالحمل على الاستحباب، طريق واضح، فتأمل. و الذى يدل على استثناء الجارية و الأمة: على ما قيل: مثل ما روى فى الصحيح: و لا ينبغي للمرأة أن تصلى إلا فى ثوبين و في الأخرى: الأمة تغطى رأسها؟ قال: لا و فى المؤثر عن الصادق ع لا بأس بالمرأة المسلمة الحرة أن تصلى و هي مكشوفة الرأس و فى آخر، قال: لا بأس أن تصلى المرأة المسلمة و ليس على رأسها قناع و حلت على الصبية، معللاً بعدم التكليف، فتأمل و بالاجماع: و الظاهر أنها عامة لو لم تكن خاصة بالبالغة، للفظ المرأة المسلمة و حملها على الأمة أولى، و تكون الصبية مستثنى (مستثنة) بالاجماع: و ادعى عليه الاجماع و على الأمة أيضاً: و بالجملة لا يخفى تأييد هذه الأخبار للاستثناء المتقدم، لأن ظاهرها عدم وجوب ستر الرأس فكيف القدم (ترجمه بخش‌های مورد استناد، در ادامه می‌آید).

عبارات فوق، چنان که گفتیم، راجع به «حجاب در نماز» است؛ اما با کمال تعجب باید گفت: بر اساس این عبارات، محقق اردبیلی حتی حجاب در نماز را، نه چنان که ترکاشوند به طور مطلق به وی نسبت داده، «لازم نبودن پوشش سر، گردن، ساق و بازو» نمی‌داند:

آقای ترکاشوند (که گاه ترجمه عبارات عربی را به عهده خواننده کتاب نهاده) از متن فوق، فقط سطر اول را این‌گونه ترجمه کرده: «اگر ترس از اجماع ادعایی نبود، علاوه بر «وجه و قدمین و کفین» همچنین «سر» و سایر قسمت‌هایی که غالباً - بنا به عادت رایج زنان - پیدا و برهنه هستند (مانند: گردن، سینه، بازو و ساق پا) را نیز از لزوم پوشش استثناء می‌کردم.»

همین جمله نشان می‌دهد که محقق اردبیلی، دلیل اجماع را در این مسئله قبول دارد، و به همین جهت، حکم به عدم پوشش سر (حتی در نماز) نمی‌دهد. بنابراین باید در عبارات فوق، به دنبال سرنخ از نسبتی که ایشان به محقق اردبیلی داده (یعنی استحباب پوشاندن موی سر برای بانوان)، یا بهتر بگوییم: دنبال محل لغتش وی در تفسیر این متن بگردید.

ابتدا یادآور می‌شویم که در ادامه عبارات عربی فوق، سه بار به موضوع نماز اشاره شده. نشانه مجددی بر این که بحث، حجاب در برابر نامحرم نیست:

... روی فی الصحيح: و لا ينبغي للمرأة أن تصلى إلا في ثوبين: در روایت صحیح

نقل شده که برای زن سزاوار نیست، جز در دو لباس نماز بگزارد.
و فی المؤوث عن الصادق علیہ السلام لا بأس بالمرأة المسلمة الحرة أن تصلى و هي مكشوفة الرأس:
در حدیث موثق از امام صادق علیہ السلام نقل شده: بر زن مسلمان آزاد حرجی نیست
که با سر بدون پوشش نماز بگزارد.

و فی آخر، قال: لا بأس أن تصلى المرأة المسلمة و ليس على رأسها قناع و حملت على
الصبية: و در حدیث دیگر: بر زن مسلمان حرجی نیست که نماز بگزارد، در حالی
که پوششی بر سرش نیست و (البته همراه حدیث قبل) حمل بر خردسال شده
است.

ما حصل سخن محقق اردبیلی این که وی در عبارت نخست می‌نویسد: اگر ترس از اجماع نبود، ممکن بود پوشش سر و برخی مواضع آشکار در نماز

استثنای شود و چنان که گفتیم، این یعنی پذیرش اجماع یاد شده، در ضرورت پوشش سر در نماز. اما ایشان در ادامه، نشانه‌هایی در مخالفت اجماع یاد شده ذکر می‌کند، مثلاً بلافاصله نوشتہ: «هم‌چنین، دلالت بر استثنای مذکور (بر خلاف اجماع یاد شده) دارد، روایاتی که خواهد آمد و دال بر جواز آشکار بودن سر برای کنیز و دختر بچه (دانسته شده) است، که دلالت بر جواز مطلق دارد. هم‌چنین، جمع نمودن میان ادله، بدین شکل که (روایاتِ حکم کننده به پوشش سر) حمل بر استحباب شود، راه روشی است.»

در نتیجه، محقق اردبیلی، گرایش به ادله‌ای بر خلاف اجماع ذکر شده دارد و این ادله را در عبارات فوق شرح داده، اما نهایتاً قول مختار وی، همان اجماع بر ضرورت پوشش سر در نماز است. توجه دارید که متن فوق، متنی تحلیلی و درسی است و نه صرفاً فتوایی و صاحب کتاب، در چنین متونی چه بسا آراء خود را در جهات مختلف شرح می‌دهد، اما نهایتاً یک طرف بحث را که طبعاً مستنداتش را اقوی می‌یابد، به عنوان نظر نهایی خود برمی‌گزیند.

نتیجه‌گیری

آقای ترکاشوند در کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» با ادعاهای شگفت به میدان کارزار علمی آمده، اما مباحثت او مبتنی بر خطاهای و مغالطه‌هایی در استناد و تحلیل همراه است که برخی از این موارد در مقالات و کتابهای دیگر یاد شده است. در این گفتار، به یکی از مغالطات او یعنی عدم دقیقت در گزارش سخنان دانشوران پیشین و تغییر آنها در جهت مدعای خود، اشاره شد. آنگاه سه مورد از این نقلهای، یعنی گزارش سخنان علامه مجلسی، فیض کاشانی و محقق اردبیلی مورد کنکاش قرار گرفت. در نهایت، تفاوت آشکار میان درونمایه سخن این بزرگان با گزارش ترکاشوند از آنها روشن شد.

متألف

قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دار الكتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

اردبیلی نجفی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه، قم، بی تا

امینی، محمد. نقد و بررسی نگرش قرآنی نوآندیشان مسلمان در مسئله حجاب (مقاله). ارائه شده به

همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶. موجود در سایت سیویلیکا به نشانی:

<https://civilica.com/doc/779252>

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.

ترکاشوند، امیر حسین. حجاب شرعی در عصر پیامبر. نشر اینترنتی، ۱۳۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.

زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴هـق.

سرمدی، سعید. نقدي بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، سایت خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴

سوزنچی، حجاب در آیات و روایات «نقدي بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ»،

www.souzanchi.ir

شاه سنایی، محمد رضا. «حجاب در صدر اسلام» (کتاب). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

اردیبهشت ۱۳۹۹.

شاہوردی، مجید؛ حبیبی تبار، حسین. نقد دیدگاه پوشش موی زنان در کتاب «حجاب شرعی در عصر

پیامبر» (مقاله). مجله پژوهش‌های فقهی. (انتشار آنلاین: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹).

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، کابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم،

۱۴۰۴ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه

علمیه، قم، بی تا

طریحی، فخرالدین بن محمد، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، دار الهادی ؑ، بیروت، ۱۴۱۵ق.

- عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه علیهم السلام در احیاء علوم دین، چاپ سوم، نشر منیر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- نقش عائشه در تاریخ اسلام، نشر منیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- عشایری منفرد، محمد. درنگی در ترجمه‌های کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر». (مقاله). سفینه، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۶-۱۷۳.
- عشایری منفرد، محمد. معماری و حجاب در حجاز عصر پیامبر. (مقاله) در: کتاب پوشش زنان در زمان پیامبر (جلد اول از مجموعه حجاب پژوهی) ص ۲۱۹-۲۵۰.
- پوشش زنان اهل بیت علیهم السلام و حکم شرعی حجاب (مقاله) در: کتاب پژوهش‌های فقهی حجاب (جلد دوم از مجموعه حجاب پژوهی)، ص ۲۰۱-۲۳۴.
- پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر علیهم السلام (مقاله) در: مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۹-۶۰.
- فیض کاشانی، محسن. معتقد الشیعه. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصاحف المنیر فی غریب الشرح الكبير، مؤسسه دارالمحرر، قم، ۱۴۱۴ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار الجامعة اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، دار الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، ذکری الشیعه فی أحكام الشیعه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹ ق.
- نووی، یحیی بن شرف، شرح مسلم، دارالكتاب العربي، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.